



تعارضات اخلاقی بخش کشاورزی: تشریح موقعیت های تعارضی و راهبردهای برون رفت

میثم منتی زاده^۱، طاهر عزیزی خالخیلی^۲

چکیده

پیشرفت‌های اخیر در زمینه کشاورزی، انسان‌ها را با تعارضات اخلاقی مواجه ساخته و قضاوت یا انتخاب بین گزیدارهای مختلف را دشوار نموده است. اینگونه تعارضات اخلاقی در حوزه کشاورزی، تصمیم‌گیرندگان را بر سر دوراهی‌هایی قرار می‌دهند که گزینش هرکدام از مسیرها، ناقض برخی اصول اخلاقی و صحیح می‌باشد. عملکرد مناسب در برخورد با این تعارضات اخلاقی مستلزم تحلیل موشکافانه موقعیت تصمیم‌گیری و آشنایی با معیارهای اخلاقی است تا با استناد به اینگونه معیارها، گزینش‌هایی عاقلانه و اخلاقی صورت پذیرد. این مطالعه با شیوه مروری و تحلیلی به تشریح اهم چالش‌های اخلاقی کشاورزی پرداخته تا تصویر مناسبی از این موقعیت‌های تعارضی ایجاد و شیوه برخورد مناسب در مواجهه با این چالش‌ها را مشخص نماید. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که برخی از مهم‌ترین تعارضات اخلاقی در بخش کشاورزی عبارتند از: تقابلات فکری بین طرفداران و مخالفان محلی گرای-جهانی سازی، حفر چاه‌های غیرمجاز کشاورزی، تولید محصولات تراریخته کشاورزی و تولیدات ارگانیک. نگارندگان راهبردهای مختلفی را برای برون‌رفت از این تعارضات اخلاقی پیشنهاد می‌کنند که برخی از آن‌ها عبارتند از: تحلیل تعارضات اخلاقی کنشگران با توجه به نوع جهانی‌بینی طرفداران و مخالفان، لزوم توافق اجتماعی بر خیرعام به عنوان آرمان نهائی، لزوم مطلق‌گرایی و پرهیز از نسبی‌گرایی، تدوین و ارائه استاندارد یا منشور اخلاقی، تدوین رشته و دروس اخلاق کاربردی کشاورزی، فرهنگ‌سازی عمومی در زمینه تعارضات اخلاقی کشاورزی، و به-کارگیری راهبردهای چندگانه (آموزشی، اخلاقی، قانونی، فنی، اقتصادی، مشارکتی و غیره) با رهیافت مدیریت اقتضایی.

واژه‌های کلیدی: تعارض اخلاقی، تعارض اخلاقی کشاورزی، راهبردها.

۱ دانشجوی دکتری بخش ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه شیراز

۲ استادیار بخش ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری



مقدمه

توسعه ملی حاصل پیشرفت در ابعاد صنعتی، خدماتی و کشاورزی کشور است. بخش کشاورزی به خاطر توان اشتغال زایی، امکان کسب درآمد ارزی از طریق صادرات، صرفه جویی در مصارف ارزی بخصوص کاهش واردات محصولات کشاورزی از طریق افزایش تولیدات داخلی، استراتژیک بودن برخی محصولات آن و فراهم آوری برخی درون داده‌های مورد نیاز برای بخش‌های صنعت و خدمات به عنوان یک بخش مهم در اقتصاد ملی مطرح است. کشورهای در حال توسعه مثل ایران از یک سو بخاطر ظرفیت‌های طبیعی و خدادادی بالا و از سوی دیگر، عدم توان رقابت متوازن و عادلانه در بخش‌های صنعتی و خدماتی با سایر کشورهای توسعه یافته، بنظر می‌رسد که بایستی محور توسعه ملی خود را بر بخش کشاورزی استوار سازند. در واقع، بنابر ادعای بسیاری از متفکران کشور، زیربنا و گذرگاه اصلی توسعه ایران، رشد و پیشرفت در بخش کشاورزی است. از این رو در سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی از سوی مقام معظم رهبری، بر بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های این بخش تاکید بسیاری شده و دستیابی به اقتصاد مقاومتی را از طریق پویایی و بالندگی در اقتصاد کشاورزی قابل حصول می‌دانند.

تلاش‌های مربوط به توسعه کشاورزی پایدار حول سه محور اساسی قرار دارد که شامل امنیت غذایی، ایجاد اشتغال و درآمد در مناطق روستایی به منظور ریشه کن نمودن فقر و حفظ منابع طبیعی و محیط زیست است. به بیان دیگر، این رهیافت به دنبال حداکثر نمودن بهره‌وری از ظرفیت‌های بخش کشاورزی (اعم از طبیعی و انسانی) و حداقل نمودن پیامدهای مخرب زیست محیطی است. بدین‌سان، توسعه کشاورزی بایستی با اتکاء به امکانات و تکنولوژی موجود شکل یابد؛ از نظر فنی مناسب، از نظر اقتصادی توجیه‌پذیر، از نظر اجتماعی قابل قبول و از نظر محیطی مطلوب باشد. بر این مبنای کشاورزی پایدار، توسعه سیاست‌ها و عملیاتی است که توانایی مردم را برای تولید غذا و پوشاک تضمین کرده، وضعیت اقتصادی و تجاری کشاورزی و ارزش‌های اجتماعی را حفظ می‌کند، بی‌آنکه سبب تخریب منابع طبیعی شود. هدف کشاورزی پایدار اعمال مدیریت موفق بر منابع پایه کشاورزی یا به عبارتی تطابق زیست محیطی بوده تا بتواند نیازهای متغیر انسانی را در حال و آینده برطرف کند و درآمد خانوار را در بلند مدت ارتقا بخشد، در صورتی که اقتصادی‌ترین و سودمندترین نحوه استفاده از انرژی و تبدیل آن به تولیدات کشاورزی، سبب تخریب حاصلخیزی خاک و کیفیت محیط زیست نشود (افراخته و همکاران، ۱۳۹۲).

از سوی دیگر، کشاورزی همانند هر بخش دیگری همواره دچار چالش‌ها و معضلات مقطعی یا درازمدت بوده، بگونه‌ای که دینفعان و ذیربطان این حوزه اقتصادی را با تضارب آرا و درگیری‌های فکری و عملی مواجه ساخته است. قنبری و برقی (۱۳۸۷) در پژوهش خود مواردی همچون بهره‌برداری نامناسب از منابع آب زیرزمینی و سطح، تخریب پوشش گیاهی بخار کاربرد غیراصولی از منابع طبیعی، چالش‌های جهانی سازی کشاورزی را به عنوان برخی از اساسی‌ترین چالش‌های توسعه کشاورزی پایدار ایران معرفی کردند. سردرگمی کنشگران فکری و اجرایی در مواجهه با اینگونه تعارضات گواه پیچیدگی موقعیت‌های ابتلاعی بوده و ضرورت تحلیل دقیق شرایط در ابعاد مختلف برای تصمیم‌گیری‌های نهایی را گوشزد می‌نماید. در واقع، چالش‌ها یا تعارضات کشاورزی‌گزیدارهای مختلفی را پیش پای فعالان این حوزه می‌گذارد و بر این مبنای دوستداران و مخالفان هر کدام از این‌گزیدارها شکل گرفته و نوعی تقابل فکری بین این گروه‌ها ایجاد می‌شود. گاهی استدلال‌ها و براهین هر دو دسته به غایت محکم و بر مبنای اصول اخلاقی خاصی استوار است و مخاطبان عام را در انتخاب و تعلق خاطر به هر کدام از این‌گزیدارها دچار ابهام و سردرگمی می‌نماید. در این مطالعه که به شیوه مرور منابع مکتوب انجام گرفته تلاش بر آن بوده تا ضمن بیان مهمترین تعارضات بخش کشاورزی ایران، راهبردهای برون رفت از اینگونه موقعیت‌های چالشی معرفی شوند.

مفهوم سازی تعارضات اخلاقی

انسان‌ها در طول زندگی خویش همواره با مسائل و چالش‌هایی اخلاقی روبه‌رو هستند که بایستی دست به تصمیم‌گیری در مورد آنها بزنند. مسائلی با گزیدارهای گاه متضاد که فرد را مجبور به انتخاب می‌کند؛ گزینشی از بین گزیدارهای اخلاقی موجود در یک «دوراهی اخلاقی» یا «تعارض اخلاقی» که گاهی به نقض یک اصل اخلاقی و یا اولویت‌دهی بالاتر به اصل اخلاقی دیگری منجر می‌شود. تعارض یا تراحم وضعیتی است که در آن فاعل ناچار است یکی از چند امر را که قابل اجتماع نیستند، اختیار کند؛ وضعیت بغرنجی است که فرد را دچار حیرت کرده و از تنافی (یکدیگر را نفی کردن) دو حکم لازم‌الاجرا و دارای ملاک حاصل می‌شود بگونه‌ای



که فرد توانایی انجام هر دو در زمان واحد را ندارد (محمدی پیرو و شریفی، ۱۳۹۰). این تصمیمات در هنگام برخورد با تعارضات اخلاقی هرچند کوچک اما مسیر زندگی آینده هر فردی را رقم می‌زند. بگونه‌ای که به تعبیری کلان، برآیند همین تصمیمات در دورراه‌های اخلاقی، سعادت یا شقاوت آدمی را موجب می‌شود. از این رو، درگیری روزانه افراد در تعارضات اخلاقی امری بدیهی و آشکار است بطور مثال ممکن است که هر کدام از موقعیت‌های اخلاقی زیر برای افراد اتفاق افتاده باشد: به عنوان کارمند یک موسسه مالی، آیا می‌توان برخی قوانین را زیر پا گذاشته تا به یک فرد نیازمند دریافت وام کمک شود؟ به عنوان مدیر یک موسسه دولتی آیا می‌توان مخارج موسسه را بیشتر تنظیم نموده و بودجه بیشتری برای رشد و توسعه موسسه دریافت کرد؟. این موارد همگی موقعیت‌های اخلاقی را نشان می‌دهد که تصمیم‌گیری فرد را می‌طلبد. در بسیاری از موارد انتخاب یکی از راه‌حل‌های موجود نیازمند انتخاب یک اصل اخلاقی به بهای زیرپا گذاشتن اصل اخلاقی دیگری است. در دو مثال اول، تقابل اصول اخلاقی کمک به فرد نیازمند در ازای نقض قوانین مالی موسسه، جذب بودجه بیشتر برای توسعه موسسه در مقابل صداقت مالی، مطرح می‌باشد. در حالت ایده‌ال انتظار می‌رود که فرد با آگاهی از مسئله و درک شرایط و بر مبنای استدلال عقلانی محکم، تصمیمی را گرفته و توانایی دفاع از آن را داشته باشد. هرچند برخی اوقات افراد در این موقعیت‌های اخلاقی بدون توجه به اهمیت موضوع و صرفاً بر مبنای احساسات و با تامل و تعمق فکری کم، نوعی تصمیم‌گیری سریع و اتوماتیک انجام می‌دهند که حتی خودشان نیز متوجه نیستند که در آن برهه زمانی، دست به انتخابی زده و اصلی اخلاقی را بر اصلی دیگر ترجیح داده‌اند. اما انتظار می‌رود که افراد این دوره‌های اخلاقی را تشخیص داده و تصمیماتی آگاهانه، عاقلانه و عامدانه اتخاذ نمایند تا پذیرش عواقب آن برایشان آسان‌تر شده و بعداً خود را بخاطر بی‌توجهی و بی‌فکری در آن موقعیت سرزنش ننمایند.

نکته قابل توجه دیگر آن است که نوع تصمیم‌گیری افراد در یک موقعیت اخلاقی خاص و اصولی که مبنای آن قرار گرفته، به مرور منطقی اخلاقی را در ذهن ایشان نهادینه کرده که به احتمال زیاد اساس تصمیمات و اعمال بعدی خواهد بود. شکل‌گیری «منطق اخلاقی تکاملی» به مرور زمان و با تجربه تعارضات اخلاقی متعدد در طول زندگی، خودآگاه یا ناخودآگاه فرد را پایبند به اصول اخلاقی یا چارچوب اخلاقی خاصی می‌نماید که منشا فکر و عمل ایشان در زندگی‌اش خواهد بود. مگر اینکه با رشد و بلوغ ذهنی فرد و کسب تجربیات یا آموزش‌های محیطی، این منطق اخلاقی دیگر جوابگو نباشد و فرد پس از پی بردن به نقوض و کاستی‌های آن درصدد اصلاح یا جایگزینی آن برآید.

چگونگی شکل‌گیری تصمیمات اخلاقی در برخورد با تزامات یا تعارضات اخلاقی و مبنای آن موضوعی است که همواره مورد توجه و تامل دینداران و فلاسفه و روانشناسان اخلاق بوده است. آنها با درک ضرورت اخلاق برای جامعه، در تلاش بوده‌اند تا فرایند تصمیمات اخلاقی را شناسایی کرده و عوامل تاثیرگذار بر آن را تشخیص دهند تا از این طریق به اصلاح اخلاقی افراد جامعه بپردازند. در این راستا، مدل‌های تصمیم‌گیری اخلاقی مختلف یا حداقل اصول اخلاقی زیادی ارائه شده است که داعیه تبیین اخلاق فردی و اجتماعی را دارند. در حوزه فلسفه اخلاق بطور عام و مقوله اخلاق هنجاری بطور خاص، پنج نظام فکری اخلاقی غالب وجود دارد: غایت‌گرایی، فضیلت‌گرایی، وظیفه‌شناسی، حقوق‌گرایی به همراه نظام اخلاقی ادیان الهی (Al-Aidaros et al., ۲۰۱۳). این نظام‌های فکری اخلاقی مبنای و اصول خاصی را جهت تصمیم‌سازی اخلاقی در اختیار انسان‌ها قرار می‌دهند. بطور مثال، طرفداران غایت‌گرایی، سود و منفعت حاصل از هر عمل یا هر گزیدار در یک تعارض اخلاقی را معیار اخلاقی بودن یا غیراخلاقی بودن قرار داده و براین اساس راه درست یا درست‌تر را تشخیص می‌دهند. بر مبنای دیدگاه منفعت‌گرایی به عنوان شاخه پرتطرفدار نظام اخلاقی غایت‌گرایی، هر عمل یا گزیداری که بیشترین سود را برای بیشتر افراد جامعه به بار آورد، اخلاقی یا اخلاقی‌تر است و بایستی دنبال شود. در حالیکه، وظیفه‌گرایان عمل بر مبنای اصول مطلق وجدانی را تجویز می‌نمایند. اما فضیلت‌گرایی بر کنش‌های منطبق بر فضایل اخلاقی اعتدالی تمرکز نموده و افعال مبتنی بر رذایل اخلاقی تفریطی و افراطی را نهدی می‌کنند. حقوق‌گرایان قائل به حقوق و وظایف متقابل انسان در برابر خدا، انسان‌ها در برابر یکدیگر و انسان در برابر طبیعت بوده و بهره‌برداری از حقوق در عین التزام عملی به انجام وظایف متقابل را متذکر می‌شوند. دینداران و مذهب‌یون الهی ضمن پذیرش ضمنی پاره‌ای از نظام‌های فکری اخلاقی بشری مذکور، آنها را برای نائل آمدن به سعادت دنیوی و اخروی کافی ندانسته و عمل بر طبق فرامین و دستورات الهی را صلاح دانسته‌اند. البته در تفکر دینی، سایر دیدگاه اخلاقی بشری تا زمانی که در تعارض با این دستورات دینی قرار نگیرند، بطور صریح رد نمی‌شوند. عمده تفکرات فلاسفه اخلاق



در قالب نظام‌های فکری اخلاقی و دینداران در ارائه اصول اخلاقی دینی مبتنی بر «اخلاق تجویزی»^۳ می‌باشد بگونه‌ای که اکثریت فیلسوفان با تاکید بر پیروی از عقل به عنوان تنها منبع تشخیص خیر از شر، اصول اخلاقی مذکور را که براساس استدلال‌های عقلانی هستند تجویز کرده و راه سعادت بشر را آن می‌دانند. طرفداران ادیان الهی نیز با اقرار به تفوق عقل الهی بر عقل بشری، دستورات صادره از این عقل فرابشری یا خدایی را تجویز و توصیه کرده‌اند.

در واقع، فیلسوفان و اندیشمندان اخلاق در غرب و شرق در تلاش بوده اند تا معیارهایی برای قضاوت و عمل درست و اخلاقی ارائه دهند. اینگونه ملاک‌ها و معیارهای اخلاقی به عنوان راهنمای افراد در موقعیت‌های تعارضی یا دوراهه‌های اخلاقی عمل کرده و ضمن رهایی آنها از سردرگمی‌های فکری در چالش‌های متالابه، روال تصمیم‌گیری و انجام رفتار را سرعت می‌بخشند. به عنوان مثال، یک فرد دیندار در برخورد با یک تعارض اخلاقی، همواره در تلاش است تا راهی را دنبال نماید که مطابقت بیشتری با اصول اخلاقی مطروحه دینی و شاخص‌های معرفتی الهی داشته باشد. و یا فردی که قائل به نتیجه‌گرایی می‌باشد، همواره با محاسبه سود و زیان به حل چالش‌های پیش رو می‌پردازد. نکته قابل توجه آن است که در بسیاری از موارد افراد ناخودآگاه اقدام به قضاوت و عمل براساس معیار اخلاقی خاصی می‌کنند که گاهی با ادعاهای ایدئولوژیک آنها متضاد باشد مثل فرد دیندار که ناآگاهانه بر مبنای معیارهای مادی گرایانه رفتار می‌کند و بالعکس. برخی افراد نیز در برخورد با چالش‌های اخلاقی مختلف، براساس ملاک‌های متفاوتی عمل می‌کنند که این امر باعث شکل‌گیری تناقضات رفتاری در طول زندگی‌اش می‌شود. از این رو، شناخت و ایجاد چارچوب شناختی مستحکم بر مبنای معیارهای اخلاقی مطلوب موجب رهایی از سردرگمی‌های فکری در برخورد با تعارضات اخلاقی، دوری از تناقضات رفتاری، و شکل‌گیری به رویه عملکردی مناسب و مطلوب در زندگی فردی و اجتماعی خواهد شد.

در ادامه ضمن تشریح برخی تعارضات اخلاقی در حوزه کشاورزی، دیدگاه‌ها و اصول اخلاقی مطرح شده توسط طرفداران ابعاد مختلف هر کدام از این دوراهه‌های اخلاقی بیان می‌شود. تا تحلیلی دقیق از آرا و نظرات جبهه‌های فکری مختلف در این زمینه‌ها روشن شود. شناخت این تعارضات و دیدگاه‌های طرفین به برون رفت مناسب از اینگونه چالش‌های اخلاقی کمک شایانی خواهد کرد.

مهمترین چالش‌ها و تعارضات اخلاقی بخش کشاورزی

بخش کشاورزی بواسطه جهت‌گیری‌های فکری متفاوت در آن، با تعارضات و دوراهه‌های اخلاقی متعددی روبه‌رو می‌باشد. این تعارضات اخلاقی گزیدارهای مختلفی را پیش روی مخاطبان و ذینفعان قرار داده و مبتنی بر اصول اخلاقی خاصی می‌باشند. در ادامه برخی از این تعارضات اخلاقی و دیدگاه‌های طرفداران و مخالفان آنها تشریح شده است.

۱) محلی‌گرایی یا جهانی‌سازی کشاورزی

تعارضات اخلاقی زمانی بوجود می‌آیند که بخواهید بین دو یا چند گزیدار نامطلوب دست به انتخاب بزنید. نمونه‌ای از تعارضات اخلاقی در بحث کشاورزی پایدار، بحث جهانی‌سازی و ارتباط با بازارهای اقتصادی بزرگ است. ارتباط جوامع محلی با بازارهای منطقه‌ای و جهانی از یک سو می‌تواند زمینه‌ساز بهره‌مندی از نوآوری‌های سایر جوامع باشد و از سوی دیگر بازارهای محلی را با خطرهایی همچون شکست احتمالی در رقابت با سایر جوامع قدرتمند در اقتصاد بازار مواجه می‌سازد. از سوی دیگر، عدم ورود بازارهای جهانی و محدود شدن در بازارهای محلی تقریباً غیرممکن است بطوریکه با گسترش وسایل ارتباطی، بازارهای محلی به سوی حل شدن در اقتصاد جهانی پیش می‌روند؛ همچنین، اجتناب از بازارهای جهانی باعث انزوا و بهره‌برداری بیش از حد از منابع خود برای نیازهای اجتماع خواهد شد. اینگونه موقعیت‌های تعارض آمیزی نیازمند تحلیل دقیق و موشکافانه موقعیت تعارض برای برون رفت از مسائل و مشکلات موجود دارد. کورتال (Korthals, ۲۰۰۱) ادعان می‌کند که کشاورزان هلندی با اینگونه موقعیت تعارضی روبه‌رو هستند زیرا از یک سو جهت‌گیری‌شان به سوی بازارهای جهانی است و از سوی دیگر در تلاش‌اند تا با بازسازی نظام کشاورزی‌شان به سوی ملاحظات زیست‌محیطی و رفاه حیوانات، پایداری کشاورزی‌شان را تضمین نمایند. ماهیت پیچیده این موقعیت تعارضی از یک سو این نتیجه‌گیری را حاصل می‌کند که جهانی‌سازی برای محیط زیست و رفاه حیوانات خطر محسوب می‌شود و از سوی دیگر ملاحظات زیست‌محیطی می‌تواند مانع از ورود کشاورزان هلندی به بازارهای جهانی شود.

^۳Prescriptive ethics



موقعیت تعارضی ورود یا عدم ورود جوامع به بازارهای اقتصادی بزرگ، چالش مهم برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه از جمله ایران می باشد. عده ای با مطرح کردن شعار «جهانی فکر کردن و محلی عمل کردن» به خیال شان توانسته اند بین این دو آشتی به عمل آورده و راهکاری بینابین اتخاذ نمایند. فارغ از آنکه این موقعیت چالش برانگیز، کشور را با موقعیتی روبه رو خواهد ساخت که اتخاذ تصمیم را در شرایط عملی با مشکل مواجه می سازد و اینگونه شعارها دردی را دوا نمی سازد. انتخاب و حرکت در دو سوی این پیوستار (جهانی سازی-محلی سازی) هر کدام مخاطرات و مشکلاتی داشته و پتانسیل اضمحلال نظام اقتصادی-اجتماعی کشور را در دراز مدت دارا می باشند. بگونه ای که جهت گیری بیش از اندازه به سوی بازارهای اقتصادی سرمایه داری می تواند زمینه ساز تخلیه منابع پایه، گرفتار شدن در دام بازی های اقتصادی کشورهای توسعه یافته و ضرر مداوم بخاطر اجبار به ایفای نقش تحت قواعد و قوانین خود ساخته اقتصادهای بزرگ غربی شود. و از سوی دیگر، اتکا به ظرفیت و توان محلی و بومی کشور، و نگاه همواره منفی به بازارهای اقتصادی دنیا و عدم ورود در این عرصه در درازمدت ناممکن بنظر می رسد. حال سوال اینجاست که راهبرد مناسب در این بین کدام است؟ صحبت از اتخاذ راهبرد میانه هرچند در نظر برخی نظریه پردازان، مناسب و زیننده بنظر می رسد لیکن مدیران اجرایی و سرمایه گذاران بخوبی می دانند که بین نظر تا عمل بسیار فاصله است و در فعالیت اجرایی گرفتن تصمیمات به راحتی اظهارنظر کردن نیست و نیازمند تحلیل های موشکافانه و کرنش های مصلحت آمیز است.



طرفداران محلی سازی اقتصاد کشاورزی معتقدند که با پیروی از اصول اتکا به توانمندی های محلی و بومی، توسعه درون زا، اقتصاد مقاومتی و خودکفائی اقتصادی بایستی تا حد امکان خود را از قواعد اقتصاد کاپیتالیستی حاکم بر روابط بین الملل دوری جسته و همواره نوعی سوءظن نسبت به رقیب های بین المللی داشت. نتیجه این نظام اقتصادی محلی گرا دستیابی به نوع خودکفائی، پرهیز از



وابستگی و امکان اعمال سیاست های زیست محیطی می باشد. در مقابل، پیروان جهانی سازی با اعتقاد به ریسک پذیری در اقتصاد بین الملل، خواهان بهره گیری از دیپلماسی فعال اقتصادی در برقراری روابط هرچه بیشتر با سایر کشورها هستند. بنابر نظر اینان، اتکا به اصول هم کفائی (بجای خودکفائی)، توسعه برون زا، پرهیز از انزوای اقتصادی، استقبال و تسهیل سرمایه گذاری سرمایه داران خارجی، اعتقاد به دهکده جهانی و پیروی از اصول نظام اقتصادی بین الملل می توان از ظرفیت ها و نوآوری های سایر ملل در راستای توسعه اقتصادی کشور کمک گرفت. در این راستا، رعایت اصل تساهل و تسامح و تاکید کمتر بر ایدئولوژی های فکری و اعتقادی برقراری روابط بین المللی، تسهیل کننده شکل گیری رابطه ای پایدار با سایر جوامع خواهد بود. در واقع پذیرش مصلحت های بین المللی و بازی با قواعد نظام کاپیتالیستی تا زمان دستیابی به رشد اقتصادی مطلوب جایز شمرده می شود. بهر حال، تقابل فکری این دو جبهه محلی گرایی و جهانی سازی در طول ادوار انقلاب اسلامی قابل مشاهده بوده و در دولت های مختلف با ضعف یا قوت دنبال شده است. آنچه که مشخص است این رویارویی نوعی دوراهی فکری ایجاد کرده و هرکدام نیز بر مبنای اصول اخلاقی و اقتصادی خاصی بنیان نهاده شده است. انتخاب هرکدام از این دو جبهه فکری، ناقض اصول اعتقادی طرف مقابل و پافشاری بر بنیان های فکری خودی خواهد بود. البته لازم به ذکر است که هر کدام از این نظام فکری محلی گرایی و جهانی سازی، در عمل پایبندی صددرصدی به اصول اعتقادی خود نداشته و پاره ای از جهت گیری های جبهه مقابل را دنبال نموده اند ولی در هر حال، اتکای اصلی و عمده بر اصالت اعتقادات خودی می باشد. قضاوت و انتخاب بین این دو گزیدار مستلزم کنکاش فکری دقیق و توسل به معیارهای اخلاقی متناسب است و براحتی قابل انجام نیست.

۲) تولید محصولات تراریخته کشاورزی

تعارض اخلاق دیگر در بخش کشاورزی مربوط به دام ها و محصولات اصلاح شد ژنتیکی است. از یک سو اصلاح ژنتیکی تولیدات کشاورزی و دامپروری می تواند با کاربرد کمتر کود ها و سموم شیمیایی، دارای مزایا زیست محیطی و رفاهی بود و نگرانی های انسان ها از تامین غذای جمعیت روبه رشد جهانی را تامین نماید و از سوی دیگر ریسک های این نوع کشاورزی برای محیط زیست، سلامت انسان و تنوع زیستی هنوز واضح و مشخص نیست (Korthals, ۲۰۰۱).



در واقع، گرچه این محصولات می تواند از محسناتی مانند پرمحصولی، و مقاومت مختصر نسبت به آفات بهره مند باشد، اما بنابر اعتقاد برخی محققان، مصرف درازمدت این محصولات می تواند مشکلات جدی هم برای سلامتی انسانها و هم برای چرخه طبیعی اکوسیستمها به وجود آورد. غدغه های ایمنی زیستی محصولات تراریخته در جهان سبب شد معاهده «کارتاهنا» در سال ۲۰۰۰ در کانادا



به تصویب برسد. تصویب این معاهده به عنوان مهمترین گام جهت ایجاد چارچوبی منسجم برای نظام‌مند کردن مهار مخاطرات محصولات تراریخته بود. این پروتکل اولین معاهده حقوقی الزام‌آور بین‌المللی در مورد تبادل فرامرزی موجودات زنده تراریخته است. اگر چه این سند حقوقی مهم‌ترین ابزار بین‌المللی برای نظام‌مند کردن وضعیت فن‌آوری زیستی است اما یک مقررات حداقلی به شمار می‌رود. در همین راستا دولت جمهوری اسلامی ایران نیز پس از تصویب پروتکل کارتهانا در سال ۱۳۸۲، «لایحه قانون ایمنی زیستی کشور» را در سال ۱۳۸۷ به مجلس ارائه کرد. کمیسیون کشاورزی مجلس نیز به‌جای آن لایحه، طرحی با عنوان «لایحه ایمنی زیستی جمهوری اسلامی ایران» تهیه و کلیات آن را به تصویب رساند. در سال ۲۰۰۶، پایگاه اطلاع‌رسانی «ISAAA» و «کلایو جیمز» (به‌عنوان بزرگترین منبع اطلاع‌رسانی و آمار محصولات تراریخته) گزارش کرد در فاصله سالهای ۲۰۰۲ الی ۲۰۰۶، محصولات تغییر یافته ژنتیکی (تراریخته) در ایران کشت شده است. چنان که سطح زیر کشت محصولات تراریخته در کشور ما در سال ۲۰۰۵ را یک میلیون و سیصد هزار هکتار گزارش می‌کند.

در مجموع با وجود موافقان و مخالفان تولید محصولات تراریخته، کشور بر سر دوراهی تولید یا عدم تولید اینگونه محصولات قرار گرفته است. از یک سو، نیاز غذایی جامعه مسئولین را به فکر تولید یا واردات محصولات تراریخته می‌کشد و از سوی دیگر، ترس از تأثیرات ناشناخته آنها همواره به عنوان ترمزی عمل می‌کند که حرکت پرشتاب در این حوزه را مختل می‌نماید. این موقعیت تعارضی و چالشی نوعی شک و تردید ایجاد کرده و تصمیم‌گیری قاطع در مورد آن را مانع می‌شود.

۳) حفرچاه های غیرمجاز کشاورزی

کشور ایران بنابر موقعیت جغرافیایی و شرایط اقلیمی خاص از مناطق خشک جهان به شمار می‌رود، میزان بارندگی در ایران کمتر از یک سوم متوسط بارندگی کره زمین است. این مقدار بارندگی نیز پراکنش زمانی و مکانی مناسبی نداشته بطوریکه ۶ درصد مساحت کشور بارش سالانه کمتر از ۵۰ میلی‌متر، ۴۶ درصد مساحت کشور بارش بین ۵۰ تا ۲۰۰ میلی‌متر، ۳۹ درصد مساحت کشور بارش بین ۲۰۰ تا ۵۰۰ میلی‌متر و در ۸ درصد دیگر بارش بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ میلی‌متر است و تنها در یک درصد کشور در سال بیش از ۱۰۰۰ میلی‌متر بارش صورت می‌پذیرد (رنجبر و امینی، ۱۳۹۳). در سالهای اخیر بهره‌برداری بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی تبعات رابه همراه داشته است که اگر وزارت نیرو مانع افزایش این بهره‌برداری‌ها نشود نه تنها مشکل کم‌آبی کشور تشدید خواهد شد بلکه عواقب نظیر فرونشست دشتهای و آلودگی منابع آبهای زیرزمینی را نیز به همراه خواهد داشت. در سطح کشور ایران ۵۶۰ هزارچاه مجازو نزدیک به ۱۷۰ هزارچاه غیرمجاز ثبت شده دارد که متأسفانه هر روز بر تعداد این چاههای غیرمجاز افزوده می‌شود به طوری که سال ۸۵ تعداد ۱۰۳ هزارچاه غیرمجاز به صورت ثبت شده بود اما پس از این تاریخ تا سال گذشته ۶۰ هزارچاه غیرمجاز دیگر به این تعداد افزوده شده است. در واقع، بهره‌برداری غیراصولی و بی‌رویه از منابع آب به عنوان یکی از مهمترین تهدیدات توسعه روستایی و ملی کشور می‌باشد و نگرانی‌های زیادی را در بین متفکران و جامعه بهره‌بردار ایجاد نموده است (منتی زاده و همکاران، ۱۳۹۴). با نگاهی دقیق به مقوله بهره‌برداری بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی از طریق حفاری‌های بی‌برنامه و غیرقانونی چاه‌های آب کشاورزی می‌توان دریافت که این موقعیت نیز تعارضی بوجود آورده که براحتی قابل قضاوت نیست. از یک سو، فشارهای اقتصادی واردشده بر کشاورزان و رشد نرخ بیکاری در سطح روستا باعث شده تا آنها ناگزیر برای تامین هزینه‌های زندگی‌شان اقدام به حفرچاه برای ادامه فعالیت‌های کشاورزی‌شان کنند و در مواردی که دولت از صدور پروانه حفرچاه جلوگیری می‌کند، بالاجبار دست به دامان حفران غیرمجاز کرده تا شاید در سایه آن از فقر و تنگدستی‌های یابند. هرچند تغییر الگوی زندگی و رواج سبک زندگی مصرف‌گرایانه در بسیاری از موارد باعث افزایش هزینه‌های زندگی گاه‌غیرواقعی شده و روستائیان را در چرخه اضمحلال منابع پایه به بهای ارضای میل سیری ناپذیر انسانی کرده است؛ ولی به‌رحال نمی‌توان روستایی و کشاورز را بطور قاطع محکوم کرده و او را تنها مقصر معضلات کنونی دانست زیرا او نیز منطقی در تلاش برای تامین معاش خود و خانواده‌اش است. از سوی دیگر، حفاری‌های بی‌رویه و غیرقانونی باعث شده تا بسیاری از دشت‌های کشور بحرانی اعلام شوند بگونه‌ای که بنابر گفته وزیر نیرو در صحن علنی مجلس در سال ۱۳۹۵، از ۶۰۹ دشت کشور تعداد ۳۳۰ دشت در وضعیت بحرانی به سر می‌برند. این روند افزایشی بهره‌برداری از منابع آب زیرزمینی در طول دهه‌های آینده کشور را با استرس‌های آبی‌شدیدی مواجه خواهد ساخت. با تشریح مقوله بهره‌برداری بی‌رویه منابع آب و حفاری‌های غیرقانونی در این عرصه مکشوف خواهد شد که با موقعیتی تعارضی مواجه هستیم که از یک سو نمی‌توان خواسته برحق روستائیان و کشاورزان را در حفاری‌های گاه‌بدون مجوز برای تامین معیشت‌شان را کتمان نمود و از سوی دیگر با روند کنونی، کشور با وضعیت



بحرانی شدیدی از لحاظ منابع آبی روبه رو خواهد شد. بنابراین تصمیم گیری در این حوزه براحتی امکان پذیر نبوده و در اکثر موارد کارشناسان سازمان آب را برای قضاوت در این عرصه در وضعیت بغرنجی قرار می دهد.



تولید محصولات کشاورزی ارگانیک و غیر ارگانیک (رایج)

پیشرفت های انقلاب سبز در پاسخ به رشد فزاینده جمعیت در قرن بیستم، این امید را زنده کرد که تئوری ناامیدکننده مالتوس رنگ حقیقت بخود نگیرد. این پیشرفت ها منجر به تولید کودها و سموم شیمیایی برای افزایش در واحد عملکرد شده و داعیه پوشیدن جامه عمل بر تن آرمان «امنیت غذایی» داشت. بگونه ای که در ابتدا بالارفتن عملکرد غلات نظیر برنج و ذرت نوید افق روشنی برای تامین غذای بشر داشت. از بین رفتن فقر و گرسنگی در جوامع توسعه نیافته مثل آفریقا، آسیا و آمریکای جنوبی شعار این تولیدات قرار گرفت تا در پرتو بکارگیری نهادهای شیمیایی، یکی از مهم ترین نیازمندی های انسانی یعنی غذا قابل دسترس تر باشد. در این مقطع ایمنی غذایی صرفا تعبیر به «تامین غذای کافی برای تمام جوامع انسانی» شد. لیکن دیری نپایید که علی رغم پیشرفت های پزشکی، رشد و همه گیر شدن بیماری های سرطانی (مثل سرطان معده) ریشه یابی آنها در مصرف این تولیدات، بشر را از خواب و خیال خوش زمستانی بیدار کرد. اثرات سوء نهادهای شیمیایی مثل علف کش ها، کودها و سموم شیمیایی از سوی نهادهای پزشکی مشخص شده و سلامت انسانی در معرض خطر دیده شد. در قرن بیستم دیگر برکسی پوشیده نیست که محصولاتی تولیدی با اتکاه به کاربرد این نهادهای شیمیایی هرچند از لحاظ ظاهری زرق و برق بیشتری دارند ولی دارای ذخیره عناصر شیمیایی هستند که سلامت جسمی



مصرف کننده را تهدید می نماید. اکنون دیگر مفهوم امنیت غذایی قید دیگری را برمی تابد و به معنای «تامین غذای و کافی و سالم برای تمام جوامع انسانی» است. در این راستا، تدوین استانداردهای غذایی و نظارت بر حدود مجاز عناصر مضر در تولیدات کشاورزی تضمین کننده سلامت و بهداشت مصرف کنندگان می باشد. از این رو، کشاورزی ارگانیک (پاپ زن و شیری، ۱۳۹۱) به عنوان گزیداری برای تولیدات کشاورزی رایج و گاه مضر ارائه شده است.

به بیان دیگر، تعارض اخلاقی مهم در این عرصه دربردارنده دو انشعاب طرفداران «تولیدات غیرارگانیک» و «تولیدات ارگانیک» است. حامیان تولیدات ارگانیک با تاکید بر اولویت سلامت مصرف کنندگان، حفاظت از تنوع ژنتیکی، همراهی با طبیعت، پایداری تولید، و همزیستی مسالمت آمیز با سایر موجودات مفید، براین مدعا هستند که شیوه تولیدی رایج ناقض این اصول می باشد ولی کشاورزی ارگانیک با رعایت این اصول زیست محیطی، امنیت غذایی تضمین می نماید. در مقابل، طرفداران محصولات غیرارگانیک هرچند بر مزایای کشاورزی ارگانیک صحت می گذارند اما با در اولویت قرار دادن اصول تامین غذای کافی، توسعه صادرات کشاورزی، خودکفائی تولیدی و غیره، معتقدند که نظام کشاورزی ارگانیک قادر به پاسخگویی به تقاضاهای فزاینده و متنوع نسل حاضر و آینده نیست. نیاز به تولید غذای بیشتر برای رفع فقر و گرسنگی مهمترین استدلال حامیان کشاورزی غیرارگانیک می باشد و این امر را صرفا با بکارگیری نهادهای شیمیایی و مکانیزاسیون پیشرفته قابل تامین می دانند. البته این جبهه نیز اذعان به برخی اثرات سوء نهادهای شیمیایی دارد ولی مسیری جز این برای تامین تقاضاهای غذایی بشر سراغ ندارد. البته بنا بر نظر طرفداران تولیدات غیرارگانیک، با کاربرد دقیق زمانی و مکانی نهادهای شیمیایی از طریق ماشین آلات پیشرفته و تحقق نظام کشاورزی دقیق می توان تاحدزیادی مصرف این نهادهای را کاهش داده و سلامت انسانی را تضمین نمود. تقابل فکری بین دو جبهه تولیدکنندگان ارگانیک و غیرارگانیک در سطوح کلان و خرد سیاسی کشور نیز قابل مشاهده است بگونه ای که عمده سیاست های دولتی مبتنی بر تولید محصولات غیرارگانیک برای تامین نیاز غذایی سالانه کشور و افزایش صادرات است ولی امروزه با مطرح شدن ملاحظات زیست محیطی و بهداشتی، حمایت از تولیدات ارگانیک و ضرورت توسعه بازار مصرفی برای این محصولات نیز مورد توجه قرار گرفته است. در واقع، دوئل فکری مابین این دو نظام تولیدی چه در عرصه سیاستی و چه در سطح مزرعه و حتی بین مصرف کنندگان در جریان می باشد. انتخاب هر کدام از این دو گزیدار نقض کننده یکسری اصول اخلاقی بوده و زمینه ساز نوعی مناقشه اخلاقی است. حال باید دید که کدام مسیر برای جامعه اصلح تر است؟ و بر مبنای کدام معیار؟





راهبردهای برون رفت از تعارضات اخلاقی کشاورزی

تحلیل تعارضات اخلاقی کنشگران با توجه به نوع جهانی بینی آنها: تفاوت و گاه تناقض رویه های عملکردی کنشگران در موقعیت های تعارضی اخلاقی، ناشی از نوع نگرش و جهان بینی متفاوت آنهاست. در واقع، انگاره های مکتبی و ایدئولوژیک مختلف در بین افراد باعث می شود که آنها در برخورد با تعارضات و چالش های اخلاقی، قضاوت های متفاوتی داشته و رفتاری خاص را دنبال نمایند. بطور مثال، کنشگران با جهانی بینی مادی گرایانه بخاطر بهره مندی از خصایص لذت گرایی و عدم اعتقاد به عقوبت های اخروی در مقایسه با افراد دینداری که دارای جهان بینی دینی یا اسلامی هستند، انتظار می رود که رفتار مسئولانه تری در قبال حفاظت از محیط زیست داشته و صرفا منافع شخصی خود را ملاک رفتار قرار ندهند. از این رو، توجه به نگرش جهان بینی افراد در تحلیل اینگونه تعارضات اخلاقی ضروری بنظر می رسد و بدون درک این مسئله، استنادات و استدلال های فلسفی آنها قابل درک نبوده و هدایت صحیح این افراد در شرایط تعارضی ممکن نخواهد بود.

لزوم توافق اجتماعی بر خیرعام به عنوان آرمان نهائی: دو راهه های اخلاقی محل تقابل دیدگاه های خیر فردی و خیرعام است؛ افراد با آرمان خیرعام در موقعیت های تعارضی صرفا منافع فردی را معیار تشخیص مسیر قرار نداده و انتفاع جامعه یا حتی کل بشر را ملاک قضاوت های اخلاقی خود قرار می دهند. در صورتیکه، غالب بودن آرمان های خیر فردی زمینه ساز رفتارهای منفعت گرایانه و گاه ضداجتماعی خواهد بود. از این رو، ترویج و نهادینه سازی آرمان خیرعام در بین افراد جامعه از طریق فرهنگ سازی اجتماعی مشوق رفتارهای نועدوستانه در سطح اجتماع خواهد بود و از تک روی های فردی و مخرب جلوگیری به عمل می آورد.

لزوم مطلق گرایی و پرهیز از نسبی گرایی: نگرش نسبی گرایانه اخلاقی، هیچگونه اصول و ارزش اخلاقی ثابتی را تجویز نمی کند و ارزش یا ضد ارزش بودن افعال را وابسته به فرد، فرهنگ و یا جامعه خاص دانسته و ارزش های اخلاقی را با توجه به شرایط زمانی و موقعیتی متغیر می داند (عابدی سروستانی، ۱۳۸۷؛ ۲۰۱۳، Al-Aidaros et al.). بطور مثال، تعارض اخلاقی «حفرچاه های غیرمجاز» یکی از مصادیق بارز تقابل نسبی گرایی و مطلق گرایی است. پذیرش نسبی گرایی در حوزه فردی باعث خواهد شد که هر فردی بدون توجه به اصول و ارزش های اجتماعی مورد تاکید در مدیریت آب، شیوه بهره برداری خاصی را دنبال نماید و در نهایت به نوعی خودگرایی اخلاقی منجر خواهد شد. زیرا فرد خود را پاسخگو به هیچ مرجعی در قابل بهره برداری اخلاق مند از منابع آب نخواهد دانست. نسبی گرایی فرهنگی و اجتماعی نیز شاید در وهله اول تا حدی مطلوب بنظر برسد ولی واقعیت آن است برخی اصول و ارزش های اخلاقی در مدیریت و حکمرانی آب وجود دارد که جنبه عام داشته و وابسته به شرایط و موقعیت زمانی و مکانی خاصی نمی باشد. بطور مثال خود اصل «حفاظت از منابع آب» به عنوان اساس و زیربنای کلیه فعالیت های مدیریتی آب، یک اصل اخلاقی جهان شمول و عام است که بنظر نمی رسد وابسته به شرایط موقعیتی و زمانی خاصی باشد. اصل «تعهدات در قبال نسل های آینده»^۴ (Kibert et al., ۲۰۱۱) یا «توجه به حقوق نسل های آینده در استفاده از منابع آب» نیز یک اصل اخلاقی برای تمام زمان ها و مکان ها خواهد بود. پذیرش نظریه نسبی گرایی بنیان کلیه اصول و ارزش های مطرح در مدیریت و حکمرانی آب را برخواهد چید و بهره برداری از منابع آب را به امری سلیقه ای و شخصی تبدیل خواهد کرد که مظاهر وجودی آن امروزه در بین بهره برداران منابع آب بوضوح مشاهده می شود. در واقع، شاید بحران آب حاضر را بتوان به نوعی نتیجه افکار نسبی گرایانه اخلاقی برخی ذینفعان این حوزه دانست که انجام

^۴obligations to future generations



هرگونه رفتار غیراخلاقی را به هر شکل ممکن توجیه کرده و متغیر و متفاوت بودن شرایط فردی و اقتصادی و فرهنگی خود یا جوامع خود را دلیل محکمی برای عدم تبعیت و نقض قوانین و اصول اخلاقی مطرح در مدیریت و حکمرانی آب می دانند. واقعیت آن است که حتی نسبی گرایان اخلاقی نیز نمی توانند لزوم ارزشگذاری اخلاقی در حوزه های مختلف زندگی اجتماعی را بطور کامل نفی کنند زیرا آنها نیز در نهایت به این امر صحنه خواهند گذاشت که برای تحقق مدیریت پایدار منابع آب مجبورند پای بر روی برخی منافع، سلايق و علايق خود گذاشته و برخی اصول اخلاقی را مبنای اعمال اجتماعی خود قرار دهند. بنابراین، بنظر می رسد که راه حل خروج از بحران در عرصه منابع آب، توسل به ارزشگذاری اخلاقی در حوزه مدیریت و حکمرانی آب و تبعیت کلیه ذینفعان این حوزه از اصول و ارزش های اخلاقی بنیان گذارده شده، می باشد؛ که این امر صرفاً از طریق مطلق گرایی ارزشی امکان پذیر است تا نسبی گرایی اخلاقی.

تدوین و ارائه استاندارد یا منشور اخلاقی: هدایت و راهنمایی افراد در موقعیت های تعارضی، تنها از طریق تدوین و نشر اصول اخلاقی مطلق و پرهیز از نسبی گرایی اخلاقی ممکن است. علی رغم پذیرش نسبی تفاوت ها در شرایط فردی کنشگران، امتساک به این اصول اخلاقی به عنوان راهنمای رفتار تنها راه حل هدایت اجتماع در تعارضات اخلاقی می باشد. از این رو، تدوین منشور اخلاقی که دربردارنده اصول اخلاقی هستند و نشر آن در سطح اجتماع، هدایتگر افراد در برخورد با تعارضات اخلاقی بوده و آنها را از سردرگمی در اینگونه موقعیت ها می رهاند. نمونه این منشورهای اخلاقی را می توان در جامعه پزشکان و حسابداران تحت عنوان منشور اخلاق پزشکی و حسابداری مشاهده نمود، گسترش اینگونه منشورهای اخلاقی به عرصه های مدیریت آب، تولید محصولات تراریخته و ارگانیک نیز می تواند راهنمای عمل خوبی برای کنشگران کشاورزی باشد. به عنوان مثال، ارائه «منشور اخلاق کشاورزی» و «منشور اخلاق آب» یکی از راهبردهای بدیع در حل تعارضات اخلاقی کشاورزی است.

تدوین رشته و دروس اخلاق کاربردی کشاورزی: تربیت و پرورش اخلاقی دانشجویان و توانمندسازی آنها برای تشخیص تعارضات اخلاقی و ارائه راهکارهای مناسب برای آنها می تواند نیروی انسانی متخصص و متعهد لازم برای نشر اخلاق کشاورزی در جامعه علمی کشور را فراهم آورد. این متخصصان بایستی ضمن احاطه علمی بر فعالیت های کشاورزی، از توان لازم برای تشخیص معضلات اخلاقی برخوردار باشند.

فرهنگ سازی عمومی در زمینه تعارضات اخلاقی کشاورزی: آگاه سازی ذینفعان و ذیربطان کشاورزی شامل کشاورزان، سازمان های کشاورزی و محیط زیست، سیاستمداران و قانون گزاران از اینگونه تعارضات اخلاقی و نظرات دیدگاه های مخالف و موافق، قضاوت و تصمیم گیری برای آنها را تسهیل خواهد نمود. این روشنگری و تسهیل گری در قالب فعالیت های آموزشی و فرهنگ سازی از طریق رسانه های انبوهی تاحدی قابل تحقق می باشد لیکن ضرورت آموزش های گروهی و انفرادی در این زمینه غیرقابل انکار است.

بکارگیری راهبردهای چندگانه (آموزشی، اخلاقی، قانونی، فنی، اقتصادی، مشارکتی و غیره) با رهیافت مدیریت اقتضایی: راهبردهای افزایش دانش، نهادینه سازی فضائل اخلاقی، حمایت های اقتصادی و غیره همگی در راستای حل تعارضات اخلاقی کشاورزی در موقعیت های مختلف قابل کاربرد می باشد. بطور مثال، گاهی اوقات حفاری های غیرمجاز برای بهره برداری از آب های زیرزمینی ناشی از عدم توانمندی کشاورزان برای کسب درآمد از راه های اقتصادی دیگر می باشد، در اینگونه موقعیت ها حمایت های مالی از بهره برداران می تواند راهبرد مناسب تری باشد. در مقابل، بسیاری از متفکران نیز با مطرح کردن مقوله «اخلاق آب» (Harremoës, ۲۰۱۳; Groenfeldt, ۲۰۱۱; Liu et al., ۲۰۱۰; Brown & Schmidt, ۲۰۰۲; ۱۹۹۷, ۱۹۹۶) تاکید بر تغییر نوع نگرش اخلاقی ذینفعان و بهره برداران منابع آب داشته و راهبرد اخلاقی را کارا تر می دانند. برخی نیز با تاکید بر توان بازدارندگی قوانین آب، بر لزوم قانون گذاری و برخورد قاطعانه با مخالفان تاکید دارند (جهرمی و همکاران، ۱۳۹۳). در هر صورت، مدیریت اقتضایی تعارضات اخلاقی و بکارگیری راهبردهای مختلف آموزشی، اخلاقی، دانشی، قانونی و غیره می تواند کارآمدی بیشتر از اتکا صرف به یکی از این راهبردها داشته باشد.



نتیجه گیری و پیشنهادات

کشاورزی همانند هر بخش دیگری همواره دچار چالش ها و معضلات اخلاقی مختلفی بوده، بگونه ای که ذینفعان و ذیربطان این حوزه اقتصادی را با تضارب آرا و درگیری های فکری و عملی مواجه ساخته است. سردرگمی کنشگران فکری و اجرایی در مواجهه با اینگونه تعارضات گواه پیچیدگی موقعیت های ابتلاعی بوده و ضرورت تحلیل دقیق شرایط در ابعاد مختلف برای تصمیم گیری نهایی را گوشزد می نماید. در واقع، چالش ها یا تعارضات کشاورزی گزیدارهای مختلفی را پیش پای فعالان این حوزه می گذارد و بر این مبنا دوستداران و مخالفان هرکدام از این گزیدارها شکل گرفته و نوعی تقابل فکری بین این گروهها ایجاد می شود. گاهها استدلال ها و براهین هر دو دسته به غایت محکم و بر مبنای اصول اخلاقی خاصی استوار است و مخاطبان عام را در انتخاب و تعلق خاطر به هر کدام از این گزیدارها دچار ابهام و سردرگمی می نماید.

سابقه پژوهشی در زمینه تعارضات اخلاقی و شیوه برون رفت از آنها نشان می دهد که فیلسوفان و اندیشمندان اخلاق در غرب و شرق همواره در تلاش بوده اند تا معیارهایی برای قضاوت و عمل درست و اخلاقی ارائه دهند. اینگونه ملاک ها و معیارهای اخلاقی به عنوان راهنمای افراد در موقعیت های تعارضی یا دوراهه های اخلاقی عمل کرده و ضمن رهایی آنها از سردرگمی های فکری در چالش های متلابه، روال تصمیم گیری و انجام رفتار را سرعت می بخشند. شناخت اینگونه معیارهای اخلاقی و ایجاد چارچوب شناختی مستحکم بر مبنای معیارهای اخلاقی مطلوب موجب رهایی از سردرگمی های فکری در برخورد با تعارضات اخلاقی، دوری از تناقضات رفتاری، و شکل گیری یه رویه عملکردی مناسب و مطلوب در زندگی فردی و اجتماعی خواهد شد. در این مقاله ضمن تشریح برخی تعارضات اخلاقی در حوزه کشاورزی، دیدگاه ها و اصول اخلاقی مطرح شده توسط طرفداران ابعاد مختلف هر کدام از این دور راه های اخلاقی بیان شده است. تا تحلیلی دقیق از آرا و نظرات جبهه های فکری مختلف در این زمینه ها روشن شود. زیرا به اعتقاد نگارندگان، شناخت این تعارضات و دیدگاه های طرفین به برون رفت مناسب از اینگونه چالش های اخلاقی کمک شایانی خواهد کرد. برخی از مهمترین تعارضات اخلاقی مروج در بخش کشاورزی عبارتند از: تقابلات فکری بین طرفداران و مخالفان محلی گرای-جهانی سازی، حفر چاه های غیرمجاز کشاورزی، تولید محصولات تراریخته کشاورزی. البته فهرست چالش ها و تعارضات اخلاقی بخش کشاورزی بسیار بیشتر از اینهاست لیکن نگارندگان بخاطر محدودیت های پژوهشی، صرفا به تشریح این موارد اکتفا نموده اند و جا دارد که محققان کشاورزی تلاش بیشتری برای روشن سازی تعارضات اخلاقی این بخش داشته و شیوه های برون رفت از آنها برای دستیابی به توافقی جامع در این عرصه را ارائه نمایند. در این تحقیق برخی از این راهبردهای برون از تعارضات اخلاقی به شرح زیر بیان شده است: تحلیل تعارضات اخلاقی کنشگران باتوجه به نوع جهانی بینی طرفداران و مخالفان، لزوم توافق اجتماعی بر خیرعام به عنوان آرمان نهائی، لزوم مطلق گرایی و پرهیز از نسبی گرایی، تدوین و ارائه استاندارد یا منشور اخلاقی و غیره.

منابع

- افراخته، ح.، حجتی پور، م.، گرزین، م.، نجاتی، ب. (۱۳۹۲). توسعه پایدار کشاورزی در برنامه های توسعه ایران (مورد: برنامه های پنج ساله پس از انقلاب). *فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان، سال یکم، شماره ۱، صص ۶۲-۴۳*.
- بخشی جهرمی، آ.، زمانی، غ. ح.، حیاتی، د.، صادقی، م. ه. (۱۳۹۳). تیشه قانون به ریشه آب: تحلیلی پژوهشی بر قانون «تعیین تکلیف چاه های آب فاقد پروانه بهره برداری». *فصلنامه علمی-پژوهشی مهندسی آبیاری و آب، سال پنجم، شماره هیجدهم، ۱۴۴-۱۲۶*.
- پاپ زن، ع.، شیرینی، ن. ا. (۱۳۹۱). بررسی موانع و مشکلات توسعه کشاورزی ارگانیک. *اقتصاد فضا و توسعه روستایی، دوره، شماره ۱، صص ۱۲۶-۱۱۳*.
- رنجبر، و. و امینی، م. (۱۳۹۳). ارزیابی اثر سدها بر منبع آب زیرزمینی (مطالعه موردی سد سلمان فارسی-استان فارس). *فصلنامه علمی-پژوهشی و بین المللی انجمن جغرافیای ایران، سال دوازدهم، شماره ۴۰، صص ۲۰۶-۱۸۷*.
- عابدی سروسستانی، ا. (۱۳۸۷). تبیین نظریه اخلاق زیست محیطی دانشجویان و استادان دانشگاه شیراز با نظریه رویه ها. پایان نامه دوره دکتری بخش ترویج و آموزش کشاورزی. دانشگاه شیراز



- قنبری، ی.، برقی، ح. (۱۳۸۷). چالش‌های اساسی در توسعه پایداری کشاورزی در ایران. راهبرد یاس، شماره ۱۶، صص ۲۳۴-۲۱۹.
- محمدی پیرو، ا.، شریفی، ا. ح. (۱۳۹۰). نقش مطلق‌گرایی در حل نزاع‌های اخلاقی. فصلنامه معرفت/اخلاقی، سال سوم، شماره ۹، صص ۴۴-۲۱.
- منتی زاده، م.، زمانی، غ. ح.، غلامرضایی، س. (۱۳۹۴). حفر چاه‌های آب غیرمجاز؛ تهدیدی جدی برای توسعه روستایی ایران. دومین همایش بین‌المللی توسعه روستایی، مشهد: دانشگاه تربیت مدرس، ۲۸ و ۲۹ بهمن ۱۳۹۴.
- منتی زاده، م.، زمانی، غ.، عزیزی خالخیلی، ط. (۱۳۹۴). اخلاق بهره‌برداری آب: راهبردی نرم‌افزاری برای مقابله با بحران آب. نخستین کنگره آبیاری و زهکشی ایران، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، ۲۳ و ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۴.
- Al-Aidaros, A. H., Shamsudin, F. M., & Idris, K. M. (۲۰۱۳). Ethics and ethical theories from an Islamic perspective. *International Journal of Islamic Thought (IJIT)*, ۴, ۱-۱۳.
- Brown, P. G., and Schmidt, J. J. (۲۰۱۰). *Water ethics: foundational readings for students and professionals*. Island Press.
- Groenfeldt, D. (۲۰۱۳). *Water Ethics: A Values Approach to Solving the Water Crisis*. New York: Taylor and Francis group.
- Groenfeldt, D., and J. J. Schmidt (۲۰۱۳). Ethics and water governance. *Ecology and Society*, ۱۸(۱): ۱۴.
- Harremoes, P. (۱۹۹۶). Dilemmas in ethics: Towards a sustainable society. *Ambio*, ۲۵, ۳۹۰-۳۹۵.
- Harremoes, P. (۱۹۹۷). Integrated water and waste management. *Water Science and Technology*, ۳۵, ۱۱-۲۰.
- Harremoes, P. (۲۰۰۲). Water ethics—a substitute for over-regulation of a scarce resource. *Water science and technology*, ۴۵(۸), ۱۱۳-۱۲۴.
- Kibert, C. J., Thiele, L., Peterson, A., & Monroe, M. (۲۰۱۱). *The ethics of sustainability*.
- Korthals, M. J. J. A. (۲۰۰۱). Ethical dilemmas in sustainable agriculture. *International journal of food science & technology*, ۳۶(۸), ۸۱۳-۸۲۰.
- Liu, J., Dorjderem, A., Macer, D., Fu, J., Lei, X., Liu, H., Qiao, Q., Yu, L., Zheng, Y., Amy, S. (۲۰۱۱). *Water ethics and water resource management*. Ethics and climate change in Asia and the Pacific (ECCAP) project, working group ۱۴ report, UNESCO, Thailand: Bangkok.